

یادداشت مترجم لاتین:

توماس ارپینیوس / Thomas Erpenius (۱۵۸۴-۱۶۲۴م) از سال ۱۶۱۳ تا زمان مرگ نابه هنگامش که بر اثر بیماری طاعون در چهل سالگی رخ داد در دانشگاه لیدن هلند به تدریس زبان عربی اشتغال داشت. شهرت او بیشتر به سبب کتابی است که درباره دستور زبان عربی نگاشته و مردم اروپا را با مقدمات و مبانی دستور زبان عربی آشنا ساخته است.

علاوه بر این، از مجموعه نسخه های خطی او (که در حال حاضر عمدتاً در کتابخانه دانشگاه کمبریج نگهداری می شود) و از مکاتبات و کتاب هایی که منتشر ساخته پیدا است که او شرق شناسی بسیار علاقمند و فوق العاده تواناست. این سخنرانی، دومین سخنرانی ارپینیوس است که "درباره فوائد زبان عربی" در دانشگاه لیدن (هلند) ایراد شده و در سال ۱۶۲۱ م به همراه سخنرانی نخست او تحت عنوان "زبان عربی" و سومین سخنرانی تحت عنوان "زبان عبری" به چاپ رسیده است. سخنرانی نخست وی یک بار دیگر به سال ۱۶۱۳ م نیز به چاپ رسیده بود. مباحث این سخنرانی در دومین سخنرانی او نیز آمده است، با این تفاوت که وی در سخنرانی دوم تأکید بیشتری بر اهمیت متون تاریخی عربی نموده است و از برخی کتب عربی که منتشر کرده است خبر می دهد و توضیح می دهد که چگونه واژگان هم ریشه در زبان عربی به فهم زبان عبری کمک می کند. وی همچنین در این سخنرانی اطلاعاتی را در مورد مجموعه های نسخه های خطی عربی در بلاد شرق و اروپا ارائه می کند.

در همین جا از برگزار کنندگان ششمین کنفرانس MELCOM که در لیدن در تاریخ ۱۵-۱۸ آوریل ۱۹۸۴ م برگزار گردید و برای من این امکان را فراهم آورد تا نظر شرکت کنندگان را به نقش و تأثیر شاگردان ارپینیوس

ضرورت فراگیری زبان عربی برای فهم و دست یابی به متون عربی

(سخنرانی توماس ارپینیوس، ۱۵۸۴-۱۶۲۴م)

ترجمه از لاتین: روبرت جونز

مترجم: کیانوش بیاتی*

چکیده: توجه و اهتمام اروپاییان به فراگیری زبان عربی و تدریس آن به شکل رسمی در دانشگاه های اروپایی از سابقه ای طولانی برخوردار است. همزمان با افول زایش و رشد فکری، فرهنگی و علمی مسلمانان در شرق، آفریقا، آسیا و نیز قسمتهایی از اروپا، اروپاییان که در دوره پس از قرون وسطی حیاتی تازه یافتند، تلاش برای احیای دانش و علوم اعصاب قدیم خود را آغاز کردند و به این منظور - و به احتمال - اولین گام، گردآوری اصیل ترین آثار علمی و فکری مسلمانان بود.

گفتار حاضر سخنرانی توماس ارپینیوس، شرق شناس و استاد زبان عربی دانشگاه لیدن هلند درباره ارزش و اهمیت یادگیری زبان عربی به عنوان زبان غالب علمی آن دوره است که به سال ۱۶۲۱ م ایراد گردیده است و حاکی از تلاش و همت فراگیر و جدی اروپاییان - و به عبارتی غرب - است که از سال های دور، به منظور نفوذ به عالم اندیشه و دنیای علمی تمدن اسلام صورت یافته و مقدمات لازم برای پیشرفت علمی و فکری غرب را فراهم آورده است.

کلید واژه: ارپینیوس، توماس؛ ۱۵۸۴-۱۶۲۴؛ زبان عربی.

* مشخصات مقاله چنین است:

Robert Jones, « Thomas Erpenius (1584-1624) on the Value of the Arabic Language » in *Manuscripts of the Middle East*, Vol. I, (1986), pp. 15-26.

(با حذف قسمت هایی از مقاله و مشخص شده با (...))

* کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی.

جلب نمایم و قسمتی از سخنرانی وی را به مناسبت چهارصدمین سال تولدش در این کنفرانس قرائت کنم، سپاسگزارم. همچنین از پروفیسور جی. بی. تراپ (J.B.Trapp)، رئیس انستیتوی واربرگ^۱ لندن، که در اصلاح پیش نویس سخنرانیم مرایاری کرد، تشکر می‌کنم. دومین سخنرانی ارپینیوس از سلسله سخنرانی‌های او دربارهٔ زبان عربی در پنجم نوامبر ۱۶۲۰م ایراد شد. او پس از بازگشت از سفر دومش به فرانسه سلسله سخنرانی‌هایش را از سر گرفت.

روبرت جونز

سخنرانی توماس ارپینیوس دربارهٔ ارزش زبان عربی فضلا و علمای جوان!

در ادامهٔ سلسله سخنرانی‌هایم آن هم پس از این وقفه طولانی که در پی انجام وظیفه پیش آمد، با خود فکر کردم خوب است قبل از آغاز بحث اصلی، مقداری دربارهٔ موضوع تدریس یعنی زبان مردم عرب، نحوهٔ مطالعه زبان عربی و نحوهٔ تدریس آن سخن بگویم. مایلم سخنرانیم مفید و خوشایندتان باشد. پس با تمام حواس به سخنانم گوش دهید!...

زبان عربی از نظر ریشه - همان طور که همه می‌دانیم - خاص مردم عرب و محدود به مرزهای جزیرهٔ العرب بود. آنها که تصور می‌کنند زبان قرطانی (Punic) زبان عربی بوده است در اشتباهند. زیرا با نفوذ اعراب به دیگر سرزمین‌ها، زبان عربی را به مناطق آسیا و آفریقا و اروپا گسترش یافت و بادیه نشینان آن را در بسیاری نقاط رواج دادند. از آن به بعد زبان عربی مقبول افتاد و بیشتر همان مردمانی که در تحت نفوذ اعراب بودند بر شیوایی و فصاحت آن افزودند. آنان در زمینهٔ گسترش زبان عربی، مسلماً نسبت به رومی‌ها و یونانی‌ها از موفقیت بیشتری برخوردار بودند. در واقع برای اعراب گسترش زبان عربی در قلمرو حکومتشان چندان دشوار نبود. به طوری که نه تنها در جزیرهٔ العرب بلکه در فلسطین و سوریه و مصر و سراسر لیبی و حتی اسپانیا و اکثر جزایر دریای مدیترانه نیز مردم به زبان عربی سخن می‌گفتند و امروز نیز مردم در همهٔ نواحی مصر و لیبی و بخش بزرگی از آسیا به همین زبان سخن می‌گویند.

زبان عربی نه تنها با استقبال و آغوش باز مردم روبرو شد، بلکه همان گونه که گفته‌اند آن رازبان عالمانه، بی‌عیب و نقص و مترقی یافتند. به همین دلیل برخی از معروف‌ترین



توماس ارپینیوس، ۱۵۸۴-۱۶۲۴م.

لغویان که به زبان عربی نیز اشراف داشته‌اند، در گذشته و حال این نکته را تأیید کرده‌اند و هنوز هم تأیید می‌کنند که زبان عربی زبانی شیرین، ظریف، فصیح، و بلیغ است و از این نظر مطلقاً نقص و اشکالی بر آن وارد نیست.

۱... به این ترتیب، مسلمانان چنان به کسب دانش و مطالعه خو گرفتند که در سرزمین‌های آنها دانشگاه‌هایی وجود داشت که از نظر تعداد و اعتبار بر دانشگاه‌های دنیا برتری داشت. اگر در این مورد تردید دارید به سفرنامهٔ لئون آفریقای دربار آفریقای رجوع کنید که بیش از سی دانشگاه معتبر و معروف را فقط در همان نقطه از دنیا نام می‌برد و حتی در آسیا و در قلمرو هند و چین که ما تصور می‌کنیم به ندرت افراد با سواد وجود داشته‌اند تعداد دانشگاه‌ها بیش از این بوده است، یاد می‌کند دربارهٔ این نکته نیز به زودی در کتاب خود تحت عنوان *Commentarius in Linguae Arabicam* و دیگر کتاب‌هایی که در دست نگارش دارم خواهیم پرداخت.

در این سرزمین‌ها [= بلاد اسلامی] بیشتر دانشگاه‌ها دارای چند هزار دانشجوی علم، و مدرّس و عالمان نامی

من کتاب‌های بیگانگان نیست. احتمالاً شمار کتاب‌های بیگانه که مسلمانان در اختیار داشته‌اند کمتر از کتاب‌های لاتین و یونانی که مادر اختیار داشته‌ایم نبوده است. با این تفاوت که آنها برخی از این کتاب‌ها را به زبان عربی ترجمه کرده‌اند و منطقی‌تر می‌توان فرض کرد که به لحاظ کیفیت ترجمه در سطح پایین‌تری قرار داشته‌اند، زیرا ما اصل این نسخه‌ها را در اختیار داریم و چون به زبان مادری ما نوشته شده‌اند معانی آنها را بهتر می‌فهمیم. بلکه اشاره من به کتاب‌هایی است که مسلمانان خود نوشته‌اند و این تعداد تا آنجا که من جمع‌آوری کرده‌ام رقمی باورنکردنی است که در سال‌های اوج امپراطوری مسلمانان، یعنی، در فاصله سال‌های ۶۵۰ تا حدود ۱۲۵۰م در آسیا، آفریقا و اسپانیا تدوین گردیده است.

در مورد طب، چنانچه تردید دارید به اثر معروف پزشک مسلمان، رازی [د ۳۱۳ق] با عنوان الحاوی که چند قرن پیش به زبان لاتین ترجمه شده است نگاه کنید. تنها در این کتاب نام بیش از سی صد تن از پزشکان دانشمند و پرآوازه آن دوره ذکر شده است و تردیدی نیست که رازی در این کتاب اسامی بسیاری را از قلم انداخته است و می‌توان بعد از این دوره هم نام افراد بسیاری را بر آن افزود. در مورد حقوق می‌توانم ادعا کنم که فقط در یکی از کتاب‌هایی که بررسی کرده‌ام به قضاوت‌ها و نظر بسیاری از قضات اشاره شده است؛ و در کتب ریاضی و فلسفه هر کس بخواهد می‌تواند به چند کتاب معدودی که از میان آثار بی‌شمار عربی به لاتین ترجمه شده مراجعه کند و این نکته را دریابد.

ابوالفدا اسماعیل لازله پادشاه لژادگان ابرزرگ سوریه، نام بیش از سی تن از جغرافی‌نویسان شهیر و برجسته را در کتاب جغرافی معروف و تحسین برانگیز خود ذکر کرده است. این همان کتابی است که سه قرن پیش گردآوری شده و تقویم البلدان نام دارد.

اعراب به تدوین کتب تاریخی نیز اهتمام ورزیدند و فقط خدایم داند تعداد آنها چقدر است! و با چه دقتی نوشته شده‌اند! و از چه ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردارند! آنان نه تنها درباره تاریخ یونان و روم، بلکه درباره کلدانیان، پارسیان، آشوریان، هندیان، تاتارها، و درباره خودشان، مصر و آفریقا و حتی درباره اصل و منشأ نژادشان نیز دست به تألیف و تدوین کتب زده‌اند.

مطمئناً سخنانم را می‌پذیرید. چنانچه تردید دارید می‌توانید به کتابخانه من بیایید. با نگاهی به بخش مربوط به آسیا قطعاً متقاعد خواهید شد. من کتب تاریخی دقیق و معتبری درباره مسلمانان در اختیار دارم که به کمک آنها

بوده‌اند آنها با شور و شوق فراوان به اصلاح و شرح و تفسیر علوم همت می‌گماشتند. اینان علوم را فرامی‌گرفتند، و بر آن می‌افزودند و به شرح و تفسیر و اصلاح آن اقدام می‌کردند و به آیندگان می‌سپردند. به این ترتیب آنها مهم‌ترین آثار و منابع عهد باستان و اروپا را نیز به زبان عربی ترجمه کردند، نه تنها آثار مصری‌ها، پارسی‌ها و کلدانیان (که تصور می‌شود اولین پدید آورندگان آثار علمی باشند) بلکه آثار یونانی‌ها و لاتینی‌ها را نیز ترجمه کردند و به همین دلیل بسیاری از این گونه آثار که نسخه اصلی آنها بر اثر حوادث زمانه و بی‌توجهی مردمان آن روزگار از بین رفته، امروز همچنان به زبان عربی بر جا مانده است. اجازه دهید با ذکر یکی دو مثال، درستی این گفته را اثبات کنم.

می‌دانید که بسیاری از آثار معتبرترین نویسندگان از جمله لیوی (Livy) به زبان عربی موجود است. در بین این آثار ترجمه شده کتاب‌ها و منابعی وجود دارد که فقدان آنها دنیای لاتینی را به شدت متأثر ساخته است. حتی در اینجا هم کلیه کتاب‌های پاپوس اسکندرانی [را که مورد حل ساده و دقیق مسائل ریاضی گنجه‌ای بی‌بدیل به شمار می‌رود، به زبان عربی در اختیار داریم. تعداد قابل ملاحظه‌ای از نوشته‌های بقراط و جالینوس و تعداد بی‌شمار دیگری از آثار فرهیختگان آن دوران نیز از آن جمله‌اند. مادر کتاب Commentarius شمار بسیار زیادی از این منابع مهم را نام خواهیم برد.

به همین دلیل بسیاری از افرادی که در میان ما به فضل و دانش شهره‌اند اظهار می‌دارند که اگر ما اصل آثار و علوم یونانی‌ها را از دست داده‌ایم، می‌توانیم آنها را از زبان عربی ترجمه و مجدداً گردآوری کنیم. این دقیقاً همان مسأله‌ای است که در عصر گذشته، پیش از رشد یادگیری زبان یونانی اتفاق افتاده است؛ یعنی زمانی که نویسندگان یونانی بسیاری از آثار یونانی را از عربی به لاتین ترجمه کردند. بعدها، پس از احیای زبان یونانی بسیاری از نویسندگان برجسته، این آثار را به زبان اصلی‌شان به ما انتقال دادند.

مسلمانان فقط دانش و آثار اقوام دیگر را به عاریت نگرفتند، بلکه همان‌طور که گفته شد آنان تا آنجا که توانستند در شرح و تفسیر این آثار تلاش کردند و بر آنها افزودند. در واقع آنان عمده آثار کلاسیک را با حواشی و تفاسیری که بر آنها می‌نوشتند اصلاح و تنقیح کردند. علاوه بر این آنان آثار و منابع فراوانی را در همه زمینه‌ها و علوم پدید آوردند که اکثریت این آثار حاصل ابداعات هوشمندانه، نبوغ فکری و مشاهدات علمی آنان بوده و به شکلی روشمند و عالمانه تنظیم یافته است. البته منظور

- اگر عمری باشد - می توان زوایای تاریک تاریخ کتب مقدس، تاریخ یونان و تاریخ ممالک لاتین را روشن ساخت. در مورد تاریخ آفریقا، که کتاب های بسیار دقیقی درباره آنها تألیف شده است، اگر آن آثار را در اختیار داشتیم با همین اطمینان اظهار نظری کردم. هر چند لئون افریقی از تعداد بسیاری کتب نام می برد و در میان مولفان از شخص معروفی به نام ابن عبدالملک یاد می کند.

نه در دیگر نقاط دنیا و نه در هیچ دوره ای، تعداد شاعران به اندازه تعداد شاعران آن روزگار جزیره العرب نبوده است. آنها از شصت شاعر معروف و برجسته نام می برند که خود هر یک شاگردان زیادی داشته اند. در آثار آنان ظرائف و زیبایی های بدیع و آموزنده، دقت در ساخت و ترکیب شعر و تناسب و توازن و وزن شعر به قدری است که خواننده یا شنونده به تمام و کمال تحت تأثیر سحر و فریبندگی شعر آنان قرار می گیرد. بنابراین، تعجبی ندارد وقتی که می شنویم لئون افریقی و دیگر اندیشمندان اظهار می دارند که شعر عربی از چنان لطافت و زیبایی برخوردار است که از این نظر هیچ زبانی به پای آن نمی رسد. من می دانم که دانشجویان ما با فراگیری زبان عربی و مقدمات لازم، در زمان کوتاهی قادر خواهند بود که آثار بزرگ ترین شاعر جهان را که من تا کنون نشناخته ام، یعنی متنبی بخوانند.

متنبی به معنی «پیشگوی غیبی» است. من اشعار این شاعر را به زبان عربی و با ترجمه منثور آن به زبان لاتین منتشر خواهم کرد و اگر شاعر صاحب نامی یاریم کند، ترجمه منظوم آن را نیز چاپ خواهم کرد؛ زیرا من به تنهایی از قریحه لازم برای شاعری برخوردار نیستم.

در مورد پالایش زبان عربی و کتاب هایی که مسلمانان در شرح و تفسیر و آرایش و حفظ زبان تألیف کرده اند، از بیان این حقیقت بیم دارم مبادا تصور کنید که در این مورد پا را فراتر از حد گذاشته ام. اما تا آنجا که دانشم اجازه می دهد، هیچ قومی در اصلاح و پالایش زبان خود تا این حد رنج و زحمت متحمل نشده است و تا این حد تلاش و پشتکار نشان نداده است. بسیاری از برجسته ترین مردان عرب کتاب ها و رساله های مختلفی درباره دستور زبان عربی به نگارش در آورده اند که برخی از آنها منظوم و برخی دیگر منثور است. هنگامی که مسلمانان از تدوین کتب دستور زبان فارغ شدند، یهودیان تازه شروع به کار [تألیف] کردند و کلیه علوم و اصطلاحات آنها را از مسلمانان به عاریت گرفتند، و اهل فن کاملاً بر این امر واقف است.

آنها همچنین تعداد زیادی فرهنگ نامه های لغت از خود به جا گذاشتند که در آنها معنی و مفهوم لغات توضیح

داده شده است. از حدود بیست فرهنگ نامه بسیار بزرگ که تا امروز باقی مانده است دو عنوان مهم تر از بقیه است: القاموس المحيط أو الصحاح که در چندین جلد منتشر شده اند. این دو کتاب را من در مجموعه کتابخانه ام دارم. آنها همچنین تعداد بسیاری رساله های تخصصی در باب ریشه شناسی لغات، معانی لغات، و نیز درباره اصطلاحات فنی، ترکیبات و عبارات دشوار در موضوعات مختلف و گویش های مختلف نگاشته اند.

خلاصه مطلب این است که آنها در این کار در هر مرحله، از صاحب نظران دانشمند، در اصلاح زبان عربی و بهسازی و تکمیل سایر علوم بهره برده اند. به همین دلیل در تکرار این نکته تردید به خود راه نمی دهم که مسلمانان در کلیه شاخه های علم نسبت به سایر نقاط دنیا مهم ترین کتاب ها را تألیف کرده اند، اما شاید تصور کنید اینها که می گویم، واقعیت ندارد. می پرسید این کتاب ها کجاست؟! اعتراف می کنم که تعداد کمی از این کتاب ها را می شناسیم. اما کتاب های لاتینی که در آفریقا و آسیا می شناسیم از این هم کمتر است. آیا بر این اساس می توانید استدلال کنید که تعداد بسیار کمی کتاب به زبان لاتین در آنجا وجود دارد؟! آیا می توانید بر این استدلال تکیه کنید؟!

دوستان من! در مورد کتب عربی نیز همین امر صادق است. کتب آفریقایی و آسیایی، به تعداد زیاد در آنجا وجود دارد به همان اندازه که در اینجا کتب اروپایی وجود دارد. اما در آنجا تعداد بعضی از کتب به خصوص، کم است، زیرا آنجا کتب به شیوه استنساخ تکثیر می شود، در حالی که اینجا به طور معمول در زمان کوتاهی از یک نوشته چندین هزار نسخه چاپ می شود. با وجود این، از این قبیل کتب دست نویس فراوان موجود است و انواع فراوانی از آنها یافت می شود.

شاهدان عینی موثق، تأیید کرده اند که فقط در یکی از کتابخانه های شهر فاس (مراکش) تعداد سی و دو جلد کتاب نگه داری می شود. Cornelis Hagha، سفیر نامی ما در استانبول، نوشته است که در آنجا دو کتابخانه با مجموعه کتب عربی وجود دارد که ارزش هر یک معادل یکصد هزار سکه طلا یعنی برابر با چهار تن طلا است؛ و نیز کتابخانه دیگری که ارزش آن برابر با چهارصد هزار سکه طلا یعنی شانزده تن طلا بر آورده شده است. قبول دارم، واقعاً این کتاب ها بهایی گران دارند، چون این کتاب ها دست نویس (نسخه خطی) هستند و معمولاً بر کاغذ ابریشمی [کتان؟] نگاشته می شده اند که این موضوع سبب افزایش بهای آنها شده است. اما مسأله فقط این نیست

THOMAE ERPENII
ORATIONES
TRES,
DE
Linguarum EBRAEÆ,
atque ARABICAE
Dignitate.



LEIDAM,
Ex Typographia AVCTORIS,
Anno 1621.

صفحه عنوان کتابی چاپ شده توسط توماس ارپینیوس، لیدن، ۱۶۲۱م
کتابخانه دانشگاه لیدن، شماره 854.

خوب هم می نویسند) استفاده از کلمات عبری به منظور آرایش و تزیین کلام، مطلوب و موجه است و این استفاده بسیار بیش از استفاده زبان لاتین از کلمات یونانی و استفاده ممالک سفلی^۲ از کلمات لاتین و فرانسه است.

به علاوه همه کسانی که می دانند زبان عبری زبان مشترک و انحصاری کشورهای مصر و لیبی و جزیره العرب و کلیه ممالک ساحی آفریقا است به این نکته نیز واقف اند که اهمیت دانستن این زبان در سفر به ممالک آفریقایی و آسیایی چندان است که نمی توان آن را نادیده گرفت. علاوه بر این در عثمانی - یعنی محدوده ارمنستان، بین النهرین، پارس و هند و تاتارستان و تمامی نواحی آسیای صغیر - زبان عبری همان نقشی را ایفا می کند که زبان لاتین در میان شخصیت های علمی و فرهنگی ما در اینجا ایفا می کند و ابزار مشترک ارتباط میان مردم مختلف است. به همین دلیل در آن نواحی با اشخاص بسیار زیادی برخورد خواهید کرد که عبری می دانند و به عبری سخن می گویند... [الان هم قصد ندارم بر روی موارد کم اهمیت تر فواید

(به سخن کسی که تجربه ای طولانی در این راه دارد اطمینان کنید)، این چنین بهای بالایی خود دلیل بر این است که این قبیل نسخه های خطی در آنجا فراوان است. اکنون از زمانی که کتابخانه پادشاه مراکش با نقشه ای مزورانه به سرقت رفت پنج - شش سال می گذرد. این کتب را شخصی به نام Nearcha، اهل نومیدیه، سرقت کرد و به اسپانیا برد و آنها را به کتابخانه پادشاه اسپانیا انتقال داد. بنا به گفته سفیر نامی ما در کشور پادشاهی مراکش، مجموعه این کتابخانه شامل ۷۸۰۰ نسخه خطی منحصر بفرد و ممتاز است. نظیر این کتابخانه ها در آفریقا و آسیا بسیارند. در واقع زمانی من سیاهه بلندی از کتب مشهور عربی را برای سفیرنامی کشورمان (Cornelis Hagha) ارسال کردم و از او خواستم معلوم کند که کدام یک از آنها در آنجا برای خرید موجود است. او در پاسخ نوشت: «نه تنها کتاب های مورد نظر بلکه اصولاً هیچ کتاب مشهوری نیست که در اینجا موجود باشد و نتوان آن را با پول خرید». بنابراین حضار توجه دارند که زبان عبری دست کم به لحاظ کمکی مؤثر در فراهم آوری دانش، از اهمیت و فایده فراوانی برخوردار است. این را هم باید اضافه کنم که بسیاری از اصطلاحات، ترکیبات دستوری و معنایی و ریشه لغات زبان عبری را - که در مقام زبانی که درک صحیح ایمان و راه رستگاری را بر ایمان ممکن می سازد مورد علاقه ماست - می توان به کمک زبان عبری روشن ساخت که البته این موضوع خود در خور تألیف یک کتاب است. در کتابی که با عنوان: Commentarius in linguam Arabicam نوشته ام، ۶۰۰ نمونه ذکر کرده ام که این امر را اثبات می کند. من در این کتاب از متون زبان عربی قواعدی را بیرون کشیده ام که برای درک عمیق اصطلاحات و عبارات زبان عبری مفید و لازم است.

آنچه در مورد زبان عبری گفته شد در مورد زبان های آرامی، سریانی، عبری، رابینی (?) و حبشی که همگی شباهت زیادی به زبان عربی دارند نیز صادق است. بنابراین می توان گفت که زبان عربی نقش راهنمای مشترک این زبان ها را ایفا می کند.

زبان های فارسی و ترکی نیز که در سراسر شرق به طور وسیعی گسترش یافته اند، اگر چه بایکدیگر و با زبان عربی متفاوت اند، اما فهمیدن آنها بدون آشنایی با زبان عربی دشوار است. زیرا کسانی که در محاوره و نگارش از زبان عربی استفاده می کنند (مثلاً در میان مردم پارس به ویژه در نگارش بیش از سایرین از عربی استفاده می کنند و البته



ORATIO II.

DE

Lingua ARABICA,

*Habita V. Novembrii, Anno
M. D. C. XX. cum e secundo
suo itinere Gallicano reversus,
ad praefectiones suas ordinarias
rediret.*

**Nobiles & Studiosi Ju-
venes.**

Post diuturnam
hanc muneris mei
vacationem, ad ordi-
narias praefectio-
nes reversurus, operæ mihi pre-
tium

صفحه آغازین کتابی چاپ شده توسط توماس ارینیوس، لیدن، ۱۶۲۰م
کتابخانه دانشگاه لیدن، شماره 854.

(Franciscus Junius)، فرانچسکو ژونیوس (Tremellius)
ژوزف اسکلیگر (Joseph Scaliger)، فرانچسکو
رافلنیگیوس (Franciscus Raphelengius)، مردانی
برجسته و پرآوازه که ذکر نامشان بدون تحسین و تمجید
از کوشش هایشان ممکن نیست. میزان بهره مندی آنان از
زبان عربی و شور و شوق آنان برای ارتقای سواد عربی به
خوبی در آثار چاپ شده و چاپ نشده آنان هویدا است.

دوستان فاضل و دانشمند، آیا اینان باعث تهیج شما
نمی شوند؟ آیا مباحثی که مطرح کرده اند به شما الهام
نمی بخشند، و یا سرمشق شما قرار نمی گیرند؟!

آنان هیچ گاه فرصت هایی را که هم اکنون شما در اختیار
دارید نداشته اند. اگر این گفته ام را نپذیرید و هم اکنون این
فرصت ها را در نیابید، بیم دارم که در اذهان این گونه مردان
بزرگ، بیسواد و سست عنصر جلوه کنید و بسیاری
دست آوردهای بزرگ را از کف بدهید. لازم نیست
سفرهای پر مخاطره به شرق را تقبل کنید یا برای یافتن یکی
دو برگ کاغذ به زبان عربی در اینجا، روز و شب، بدون وجود
راهنما، خود را به رنج و مشقت بیندازید و بدتر از همه -
آن طور که کلینرتس (Cleynaerts) گفته است: « تنها

یادگیری زبان عربی درنگ کنم. هر چند مدتی پیش،
فواید یادگیری این زبان، روحانیون "شورای وین" را
واداشت تا تأسیس رشته عربی عمومی را در دانشگاه های
معتبر تصویب کنند و هزینه های آن را از محل مقرری
رسمی کشیشان تأمین نمایند.

فواید یادگیری زبان عربی، پاپ گری گوری سیزدهم
کارن دوک تاسکانی را نیز واداشت تا نسبت به تأسیس
انتشارات معروف خود به منظور ارتقای زبان عربی اقدام
کند. علاوه بر این، آنها پاپ پل پنجم را ترغیب کردند تا
دستور پشتیبانی همه جانبه ای را از مدرسان زبان عربی در
دانشگاه های بزرگ صادر کند و رهبر روحانی مانیز دو نفر
از برجسته ترین مدرسان را در دانشکده پاریزن (Parisian)
به کار گماشت و از ژوسای این دانشکده و سایر دانشگاه ها
خواست تا به تأسیس رشته زبان عربی اقدام کنند. در واقع
امتیازات و فواید یادگیری زبان عربی موجب شده است تا
بسیاری از دانشمندان ما چه در قرون گذشته و چه در زمان
حال به هر طریق ممکن این زبان برجسته را فرا گیرند.

برای عده ای اقدام به سفرهای طولانی و پر مخاطره و
پرهزینه به منظور فراگیری زبان عربی کاری ساده به حساب
می آمد. نیکلا سکلاترتس (Nicolas Cleynaerts)، اتین
هوبرت (Etienne Hubert) و دیگران فقط به همین منظور
به آفریقا سفر کردند. آندره آلیاگو (Andrea Alpago)،

ژرارد کرامونایی (Gerard of Cremona)، گیومپوستل
(Guillaume Postel)، ژیوان باتیستا ریتموندی
(Giovann Battista Raimondi) و بسیاری دیگر راهی
آسیا شدند و مدتها در آنجا اقامت کردند. از سوی دیگر،
خوان مرکیر (Jean Mercier) که در بین مسیحیان
برجسته ترین فرد در فلسفه عبری به شمار می رود با همین
هدف قصد سفر کرد، اما طولی نکشید که - پیش از ترک
وطن - از دنیا رفت. همچنین گویا آگوستین گیوستینو
(Agostion Giustiniano) اسقف نیببو (Nebbio) که به
خاطر انجیل شش زبانه اش شهرت دارد در حادثه غرق
کشتی در سفری که با همین هدف انجام گرفت ناپدید شد.
جورج ویگنمیر (Georg Weigenmeir)، مؤلف عالی ترین
دستور زبان عبری، نیز در مسیر سفر ناپدید شد.

آن عده نیز که شرایطشان اجازه چنین سفرهای طولانی
و پر مخاطره ای را نمی داد، با تلاش و پشتکار بسیار با
استفاده از فرصت های ممکن در سرزمین خود موفق
شدند تا آنجا که امکان داشت زبان عربی را فرا گیرند.

در میان آنها، می توان کسانی را نام برد که به سبب
شهرتشان آنها را بیشتر می شناسید: اسحاق کسوبون
(Isaac Casaubon)، امانوئل ترمیلیوس (Emanuel

علاوه بر این، به وسیله زبان عربی می توانید از نظرات بهترین اطبا نظیر ابن سینا [د ۴۲۸ ق]، ابن ماسویه [د ۲۴۳ ق] و رازی [د ۳۲۰ ق] کمال استفاده را ببرید. این سخن مرابور کنید که در مورد آثار لاتینی که در اختیار دارید حقیقتاً باید گفت مترجمان بیشترین صدمات را به فحوای متون اصلی وارد آورده اند.

۳. شما و کلا و حقوقدانان، تصور کنید مقایسه قوانین عام و حکومتی و روش های اجرایی قوانین و اصولاً خود مسئله قضاوت در کشورهای آسیایی و آفریقایی و در امپراتوری مسلمانان چقدر مفید خواهد بود.

۴. شما فیلسوفان، تصور کنید شنیدن درس و سخنان ارسطوی دوم یعنی ابن رشد [د ۵۲۰ ق/ ۱۱۲۶ م] چقدر مهم است. ابن رشد در ترجمه های لاتینی، الکن و ناکار آمد می نماید، به همین دلیل او را ناتوان می نامید و حق دارید شکایت کنید، زیرا به دشواری می توان در ترجمه های لاتینی، از سخنانش سر در آورد و کسی باید بیاید و بر شروح تألیف شده شروح دیگری بنویسد.

۵. شما دانشجویان ریاضی، به فواید و نتایجی بیندیشید که می توانید از زبان مردمی به دست آورید که گفته اند در مطالعه این علم بر همه و حتی بر یونانیان پیشی گرفته اند. مردمی که آثارشان را بیش از ما حفظ کرده اند و از هر حیث درباره این علم آثار بسیاری تألیف نموده اند. در واقع آنها در تفکر مجرد چندان قوی بودند که با ذکاوتی فراتر از نبوغ بشری توانسته اند علمی تحسین برانگیز و مفید که ارزش آن هنوز کاملاً شناخته شده نیست یعنی علم حساب را اختراع کنند. علمی که در این اواخر به دنیای مسیحیت انتقال یافت. ارقام ده رقمی که شما نام ارقام رمزی (ciphers) بر آن نهاده اید امروز با همان ترتیب و شکل عربی در میان شما باقی مانده است. با وجود این یونانی ها هنوز کمترین اشاره ای به این نوآوری، ذکر نکرده اند و از عمل تقسیم به عنوان هنری حیرت آور و قابل اطمینان که لئون افریقی، مؤلف برجسته، نیز در سفرنامه درخشان خود درباره آفریقا به آن اشاره کرده است، سخنی به میان نیاورده اند. علمی که موجب شد تا علم ستاره شناسی در نزد یونانیان با فاصله ای زیاد از مسلمانان عقب بماند.

۶. آن عده از شما که مجذوب تاریخ و جغرافیا شده اید، تصور کنید آیا یادگیری زبانی که در آن تعداد بسیار زیادی آثار برجسته درباره حوادث تاریخی ناشناخته قرون گذشته اروپا وجود دارد بی فایده است؟! زبانی که در آن توصیفاتی دقیق و فراوان درباره دنیای باستان، به ویژه آفریقا و آسیا،

معلمتان در این جست و جو، فقط خودتان باشید.^۲ ما باید از رؤسای دانشگاهها بسیار ممنون باشیم، زیرا امروز شما این امکان را دارید که در یک روز معادل یک ماه گذشتگان پیشرفت کنید. من این سخنان را با جرأت می گویم و از اینکه به کذب متهم شوم بیم ندارم. امروز شما به کتب لازم و مورد نیازتان دسترسی دارید و معلمانی در اختیار شماست که اگر حمل بر تکبر و غرور نشود به کارشان بسیار علاقمندند و تا به امروز نیز در کار خود موفق بوده اند.

من کاملاً مطمئنم که برخی از شما خود را به زحمت خواهید انداخت تا زبان فرانسه بیاموزید و یا اسپانیایی یا ایتالیایی. اینها همه زبان های خاص همان نواحی هستند، شما انجام چنین زحمتی را می پذیرید اما از یادگیری این زبان پرمایه که سرتاسر نواحی بزرگ از دنیای باستان را در بر گرفته است، غفلت می ورزید. نواحی که آثار به یادگار مانده از دانشمندان آن بیش از آثار سایر زبان هاست. زبانی که از حلاوت و فصاحت و کمال برخوردار است و امکان یادگیری آن بدون دشواری و عملاً در این زمان و مکان فراهم است. اگر این زبان را فرا گیرید، در سطحی بالاتر از دانشجویان عادی قرار خواهید گرفت، به طوری که برتری قابل ملاحظه ای کسب خواهید کرد که برایتان شهرت، نتایج و لذات باور نکردنی به همراه خواهد داشت. امیدوارم شما در این انتخاب عاقل تر از آنچه من فکر می کنم باشید.

۱. آن عده از شما که خواهان تحصیل در رشته مقدس الهیات هستند، باید بدانند بدون یادگیری زبان عربی فهم کامل و دقیق زبان مقدس عبری میسر نیست. (و به نظر من شما حق ندارید خود را مسلط به زبان عبری بدانید، مگر آنکه دست به کار شوید و زبان عربی را فرا گیرید).

۲. آنها که به طب علاقمندند، تصور کنید دانستن زبانی که آثار بسیار خوب و پر محتوایی را در این زمینه در دسترس شما قرار می دهد، حتی بیش از آثار یونانی، چقدر پراهمیت است. در آثار ابن بیطار [مالتی، د ۶۴۶ ق/ ۱۲۴۸ م] می توانید بیش از سی صد روش درمانی مفید و ساده را مطالعه کنید که تا به امروز برای شما و مردم یونان ناشناخته مانده است. به آثار دیگری نیز دست خواهید یافت که روش درمان بیماریهایی را به شما خواهند آموخت که شما آرزوی دانستن آنها را در سر می پرورانید. روش های درمانی ترکیبی، عوامل و علائم بیماری ها و سایر مواردی که علم طب با آن سر و کار دارد در این آثار یافت می شود.

S P E C I M E N
C H A R A C T E R V M
A R A B I C O R V M

OFFICINÆ PLANTINIANÆ
Franc. Raphelengij.



L V G D V N I B A T A V O R V M,
C I O . I O . X C V .

صفحه عنوان کتابی از آثار منتشر شده توسط توماس ارپینوس و نخستین نشان انتشاراتی چاپخانه بریل.

و آموزنده که تا امروز برای مردم رم ناشناخته مانده است - مسرت و شادی و افری نصیبشان خواهد شد و به نتایج لذت بخشی دست خواهید یافت.

در آینده کتب معتبر طب، ریاضیات و سایر علوم را نیز منتشر خواهیم ساخت.

علاوه بر این، لازم نیست در این مورد شکی به دل راه دهید، وقتی زبان عربی را فرا گرفتید، دیگر نسخه های خطی کمیاب نخواهد بود، زیرا روز به روز بر تعداد آنها در اینجا افزوده می شود. کتابخانه های عمومی فقط تعداد کمی از نسخه های خطی را در خود جا داده اند. اما ما دارای مجموعه های دیگری هستیم، که به عنوان مثال در لیدن مجموعه های بازمانده از Scaliger و کتابخانه Palatine و نیز مجموعه هایی که در کتابخانه های آکسفورد، ادینبور، هیس، باواریا، میلان، واتیکان و جاهای دیگر نگهداری می شوند. به خصوص ما کتابخانه پادشاه اسپانیا را داریم که به جز کتب خطی مراکش، همان طور که پیش تر اشاره کردم، دارای تعداد زیادی کتاب و عمدتاً در موضوع طب است. در بسیاری از مجموعه های خصوصی نیز نسخه های خطی یافت می شوند. در فرانسه کتابخانه های Harlay de Sancy و Francois Savary de Breves

وجود دارد و ما به خصوص در این نواحی با مشکلات جدی روبه رو هستیم. خوب بیندیشید و در ذهن خود تصور کنید که مقایسه کتب تاریخی و جغرافیای یونان باستان با کتب آنان و روشن ساختن تاریخ یونان به کمک این آثار تا چه حد مفید و اغناکننده است.

۷. دیگر آنکه، دوستداران شعر، تصور کنید چه مسرت و لذتی از خواندن آن همه شعر از زبان مردمی که برای همین هنر به دنیا آمده اند نصیبتان خواهد شد. چقدر خوشایند و دلپذیر است مطالعه اشعار جدی و هزل آمیزی که سروده شاعرانی پرنبوغ و تواناست.

اما شاید هنوز دو مورد شما را دچار تردید می کند. نخست گرانی و کم یابی متون عربی در اینجا و دیگری دشواری یادگیری زبان عربی! درست است که تا به امروز کتب عربی کمیاب بوده است و آنها که موجودند در کتابخانه ها در بخشی به عنوان گنجینه نگهداری می شوند. اما آقایان امیدوار باشید! در قرن اخیر کتب یونانی هم کمیاب بود و امروز به وفور همه جا در دسترس قرار دارند. زمانی که دانشمندان آثار یونانی را احیا کردند و آنها را رونق بخشیدند، دنیای لاتین پر بود از کتاب های یونانی که تنها معدودی ناشر - نظیر: (Etienne), (Froben), (Plantin Aldus) و برخی دیگر آنها را چاپ می کردند.

حال که بار دیگر آثار یونانی و لاتین با موفقیت رواج یافته است، چرا نباید انتظار داشته باشیم که متون عربی نیز به این وضعیت برسند؟ به خصوص امروز که تعداد کسانی که همه کوشش و مهارت خود را در این راه به کار گرفته اند کم نیستند. چندین ناشر در حال حاضر به فعالیت در این زمینه مشغول اند. در رم بهترین و باسلیقه ترین آنها انتشارات (Typographia Medicea) است. در میلان انتشارات (Borromea)، در پاریس انتشارات (Savariana)، در بروسلا انتشارات (Kirsteniana)، و در اینجا علاوه بر انتشارات (Raphelengij)، انتشارات خود من دایر است که تا کنون برخی از مهم ترین آثار را به چاپ رسانده ام و تعداد بیشتری نیز در آینده و به موقع به چاپ خواهد رسید. بنابراین، دیگر دلیلی وجود ندارد تا کمبود کتاب ما را از فراگیری زبانی برجسته و ارزشمند باز دارد.

تا آنجا که در توان و ظرفیت من است، شخصاً مایلم از طریق انتشاراتم به منابع لازم و مفید و ضروری برای فراگیری زبان عربی نظیر کتب دستور زبان عربی، معجم های موضوعی، کتب معتبر تاریخی، جغرافیایی، کتب شعر و کتب اخلاقی مهم دست یابید. همان طور که در یادگیری این زبان ارزشمند ممارست می ورزید - یعنی دانشی ژرف



مردمان با این زبان فخر و بفروشیم و یا همچون خطبای عرب به ایراد سخن پردازیم.

حافظه‌ای که برای به خاطر سپردن کلمات عبری نیاز داریم بیشتر از میزان حافظه‌ای نیست که برای به خاطر سپردن کلمات سایر زبان‌ها مورد نیاز است. در زبان عبری ترکیب و عبارت پردازی، ساده، طبیعی و نسبت به سایر زبان‌ها از نظم و تناسب بیشتری برخوردار است و نتیجتاً بسیار آسان است. هر چند صرف کردن کلمات و تغییرات صدا در حروف موجب به وجود آمدن مشکلات بزرگی در فراگیری زبان‌ها می‌شود، اما این مشکل در هیچ یک از زبان‌ها به اندازه زبان عبری کم اهمیت نیست، به جز احتمالاً در زبان ترکی! آنچه به شما می‌گویم عین حقیقت است. این زبان به قدری با قاعده است که هیچ استثنایی در قواعد آن وجود ندارد. مطمئناً این گفته من شما را به تعجب و اطمینان می‌دارد، زیرا از کودکی همواره شنیده‌ایم که "دستور زبان هیچ قاعده‌ای نیست که استثنا نداشته باشد". اما از من باور کنید که فقط در کتاب مقدس و یا کتاب هومر تعداد موارد خلاف قاعده و استثناها به اندازه کل استثناها در زبان عبری است. اگر علما و فضلا اعلام کرده‌اند که زبان عبری زبانی ساده است - که همین طور هم هست - آنگاه درباره زبان عبری چه می‌گویید؟ زبان عبری به زبان عبری بسیار شباهت دارد و به جز سه حرف عله، تقریباً در هیچ مورد دستوری نظیر پسوند، جنسیت و اعداد و نظایر آن دچار تغییر و دگرگونی نمی‌شود. علاوه بر این در تلفظ حروف حلقی استثنا وجود ندارد و صرف افعال، کاملاً با قاعده است. من فکر نمی‌کنم کسانی که بر ضرورت یادگیری زبان عبری برای یادگیری زبان عربی تأکید دارند خود مایل به انجام آن باشند.

عده‌ای از شما که برای تسهیل فراگیری زبان عبری، زبان عبری می‌خوانند، به عقیده من راه خود را دور می‌سازند، هر چند که زبان عبری مادر زبان عربی است و از اولین زبان‌هاست. البته در مورد اینکه زبان عبری مادر زبان‌هاست یا زبان آرامی، هنوز بحث وجود دارد. مطمئناً آرامی‌شناسان، بحث‌های سنگینی در طرفداری از این زبان به راه انداخته‌اند و ما معتقدیم که حق هم دارند، زیرا جزو اولین زبان‌هاست. اما آیا باید به این دلیل، آن را پیش از زبان‌های دیگر فرا گرفت؟ آیا نمی‌شود زبان‌های دیگر را بدون یادگیری زبان آرامی در حد لازم فرا گرفت؟ چرا اینها که بر این عقیده‌اند قبل از زبان لاتین به فراگیری این زبان نمی‌پردازند؟ اگر بپذیرند که چنین کاری را انجام دهند پس باید به زبان عبری هم مسلط شوند. من در کلاس‌هایم تعداد کمی دانشجو داشته‌ام که به حروف الفبای عبری تسلط

ایتالیا کتابخانه‌های دانشکده Maronite و دانشکده کاردینال Montalto، در انگلستان کتابخانه مشهور William Bedwe, Sir Robert Cotton, Arundel Errl of Peter Kirsten, Sebastian، در آلمان کتابخانه‌های Tengnagel و تعدادی دیگر را در اختیار داریم. و در سرزمین‌های سفلی کتابخانه Middelburg و کتابخانه بسیار مشهور Johannes Borreel و نیز کتابخانه شخصی خود من در دسترس است.

هنگامی که زبان عبری را فرا گرفتید، فرصت زیادی خواهید داشت تا به گردآوری کتب مورد نظرتان پردازید یا برای هدفی افتخارآمیزتر کتاب‌های عبری را با بهایی ارزان از آفریقا و آسیا و سایر مناطق شرق به دست آورید و به سرزمینتان بفرستید.

حال به مورد دوم می‌پردازم، یعنی دشواری یادگیری زبان عربی. با اندوه باید بگویم من از این تصور که در اذهان مردم جا گرفته است و باعث شده است که مردم فکر کنند زبان عربی دشوارتر از سایر زبان‌هاست و هر کس بخواهد این زبان را فراگیرد باید به زبان عبری کاملاً مسلط باشد کاملاً آگاهم. آنها اشتباه می‌کنند. دوستان من! آنها اشتباه می‌کنند. آنها که معتقدند فراگیری این بهترین زبان‌ها کاری پر مخاطره است تصویری نادرست دارند، البته یادگیری هیچ زبانی در سطح عالی کار آسانی نیست. همه زبان‌ها دشوارند و افرادی که به زبان دیگری علاوه بر زبان مادری خود کاملاً مسلط باشند انگشت شمارند. چند نفر از شما واقعاً می‌توانید ادعا کنید که به زبان مادری خود کاملاً مسلط هستید و به خوبی به آن سخن می‌گویید؟ اما هر کس که ادعا می‌کند و می‌گوید یادگیری زبان عربی در سطح عالی یا معمولی دشوارتر از یادگیری سایر زبان‌هاست از واقعیت به دور است و اشتباه می‌کند و باید در مقام مخالف، رو در روی من، و با من به بحث و مباحثه پردازد، زیرا من بر این عقیده اصرار می‌ورزم که زبان عربی از همه زبان‌های معروف دنیا آسان‌تر است. برای درک این حقیقت به این نکته توجه داشته باشید که آسانی یادگیری زبان‌ها بر پایه تلفظ آنها یا بسته به سه مورد است: معنای کلمات، اوامرات (تغییر دو حرف صدادار) و ساختار آن.

اگر تلفظ زبان عربی برای مادشوار است، این دشواری به اندازه دشواری تلفظ در زبان عبری یا سایر زبان‌های شرقی است و نه بیش از آن. به عبارت دیگر، این تفاوت بسیار جزئی است و چنانچه فرصتی دست دهد و در میان همان مردم (عرب زبان‌باشیم) به خوبی بر آن فایز خواهیم شد، و اگر چنین نشد اهمیتی ندارد. اگر نتوانیم کلمات عبری را به شکل عالی تلفظ کنیم؛ زیرا قرار نیست در برابر

باید به زبان عربی هم مسلط شوند. من در کلاس هایم تعداد کمی دانشجوی داشته ام که به حروف الفبای عبری تسلط نداشتند و در کنار دانشجویانی که تسلط خوبی به حروف الفبای عبری داشتند درس می خواندند. اما باید بگویم کسانی که زبان عبری می دانستند نتوانستند مدت زیادی در صدر باشند. هر چند آنها با سرعت بیشتری افعال را به ذهن می سپردند، اما طی کردن این فاصله فقط نیازمند چند ساعت کار بیشتر برای دانشجویانی بود که عبری نمی دانستند. کسانی که عبری می دانستند کلمات مشترک را کمی راحت تر از دیگران پیدا می کردند که البته این هم خیلی مهم نیست. شما به زودی آنچه را که من می گویم تجربه خواهید کرد و حقیقت سخنان مرا در خواهید یافت. پس آنها که عبری می دانند و آنان که عبری نمی دانند، همه با هم به پیش!

در تدریس زبان عربی کلاس را به شیوه ای یکسان و متعادل پیش خواهم برد، به طوری که نه عبری دانان با مانعی روبه رو شوند و نه دیگران با سرعتی زیاد پیشی گیرند. خطاب من به حضار نیز هست. اگر قرار باشد که هر دو زبان آموخته شود، به نظر من اول بایست زبان عربی را آموخت، زیرا هم آسان تر است و هم قاعده مندتر و هم می توان به کمک آن نقایص عبری را برطرف کرد. سوای آن عده کمی که می خواهند میان ما اختلاف بیندازند و با مطرح کردن مشکلات واهی شما را از یادگیری عالی ترین و مفیدترین زبان ها باز دارند! می پذیرم که چندی پیش در همین جا با مشکلاتی روبرو بودیم. اما این مشکلات

مربوط به ابزار کار بود - نیاز به مقررات و آیین نامه کار، مدرس، کتاب و منابع - ربطی به طبیعت این زبان نداشت. من امیدوارم شما در آینده با کمبودهای اساسی روبه رو نشوید.

بنابراین، آقایان، دست به کار شوید؛ ذهنتان را متوجه یادگیری این زبان برجسته کنید؛ هر روز چند ساعت مطالعه نمایید و تردید نداشته باشید که چند ماه دیگر، شما را فراخواهم خواند تا درستی گفتارم را درباره آنچه گفته ام خود تصدیق کنید.

به شرط آنکه از خود جد و جهد در خور مناسبی نشان دهید، به گونه ای عربی را تدریس خواهم کرد که تا قبل از فرا رسیدن روزهای گرم تابستان بتوانید متون تاریخی عربی را بدون کمک دیگران بخوانید، چگونگی استفاده از فرهنگ های لغات را فراگیرید، و حتی متون دشوارتر را نیز بخوانید. به این منظور برای رسیدن به این سطح، من ابتدا به مدت چهار یا پنج هفته، مقدماتی را درباره زبان اعرابی آبه شما ارائه خواهم کرد. سپس به شما نشان خواهم داد که چگونه این مقدمات را در کلاس های عمومی خود، در کتاب انجیل، با حاشیه ژرف اسکالینگر که خود آن را ویرایش کرده ام، به کار گیرید. برای مطالعات تخصصی تر، داستان یوسف در قرآن را که خود آن را ترجمه کرده و بر آن حاشیه نوشته ام و به چاپ رسانده ام خواهیم خواند. بعضی از متون تاریخی را هم خواهیم خواند که سوای بررسی نکات دستوری آنها، تا آنجا که بتوانم مفاد و معانی مناسب و کلمات و اصطلاحات آنها را شرح خواهم داد.

